



دیوار نوشته‌های انقلاب

• دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی



■ تصاویر دیوارنوشته‌های انقلاب
■ انتشارات علمی و فرهنگی
■ ۱۳۸۵، ۹۸ ص، ۳۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰ تومان

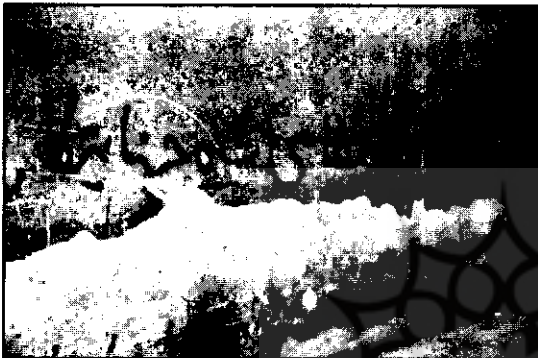
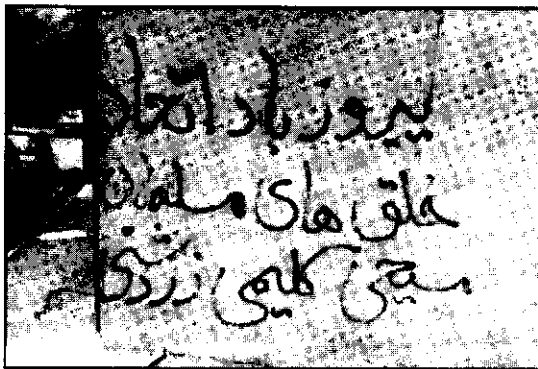
تصاویر دیوارنوشته‌های انقلاب، عنوان کتابی است که به همت شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. عنوان کتاب بیش از آن جاذبه دارد که مخاطب علاقه مند به رخدادهای انقلاب را به سوی خود فراخوان نکند. عنوان کتاب حاکی از دو امر جاذب است. اول آنکه سخن از تصویر است و دوم آنکه این تصاویر از دیوارنوشته‌های دوران انقلاب است.

آنچه دست کم برای نگارنده این دو نکته را جذاب می‌کند، رواج بیش از حد روایت‌هایی است که به نحوی تک‌خطی و کلیشه انقلاب را عرضه کرده‌اند و به نسل بعدی انتقال داده‌اند. گروه‌ها و جناح‌های گوناگون، روایت‌های گوناگون از انقلاب عرضه کرده‌اند و آثار متعددی طی سه دهه اخیر در این زمینه به رشته تحریر کشیده شده است. اما بخشی قابل توجه از این روایت‌ها به جریان‌ها و گروه‌هایی تعلق دارد که موقع و موضعی خاص در انقلاب داشته‌اند و موجه بودن موقعیت فعلی‌شان در شبکه منازعات قدرت سیاسی، منوط به عرضه روایتی تک‌خطی از انقلاب بوده است. این روایت‌ها بارها و بارها طی سه دهه پس از انقلاب تکرار و به کلیشه‌های ملال آور بدل شده‌اند.

مقدمه

ادعای عینیت و انطباق تام خبر، گزارش و یا روایت‌های تاریخی با امر واقع، البته یک افسانه است. چرا که همواره هر گزارش و خبر، روایتی از امر واقع است و روایت همواره بر مبنای موقعیت گزارش‌کننده و شرایط و ساختار زمانه او، و حتی به واسطه ساختار زبانی گزارش تاریخی، به نحوی خاص بازنمایی می‌شود. بنابراین، ما همواره با راوی و روایت او سروکار داریم نه با واقعیت عریان از هر تأویل و تفسیر. با این‌همه، عینیت در حوزه گزارش خبری و یا تاریخی، در حد انجام برخی مقررات صوری و حرفه‌ای، هنوز هم موضوعیت دارد و این وجه ممیز گزارش خبری و تاریخی معتبر از نامعتبر است. گاه از این مقررات تحت عنوان مناسک عینیت‌نمایی در هر حرفه و در هر الگوی گزارشی یاد می‌شود. هر نحو روایت‌گری مقتضیاتش دارد و از اصول و قواعد حرفه‌ای نیز تبعیت می‌کند. مناسک عینیت‌نمایی به معنای رعایت این مقتضیات و قواعد حرفه‌ای است.

گزارش خبری و تاریخی مبتنی بر تصویر، نحوی از انحاء روایت از امر واقع است. اما فرض بر این است که روایت مبتنی بر تصویر، بیش از روایت مبتنی بر کلام، نقش راوی را تقلیل می‌دهد و تفسیر و تأویل را بیش از شیوه‌های دیگر به مخاطب واگذار می‌کند. بنابراین قاعده رعایت مناسک عینیت‌نمایی در این زمینه اقتضا می‌کند که روایت مبتنی بر تصویر، بیش از شیوه‌های دیگر روایت، شیوه‌های متعارض و متکسر واقعیت را بازتاب دهد، به طوری که دست کم در سبب امر نتوان شیوه‌ای واحد و تک‌خطی از واقعیت را در تصویر مشاهده کرد. گویی راوی چنان عمل کرده است که همساز کردن ناسازها به عهده بیننده تصاویر واگذار شده است. به عبارتی دیگر، در الگوی روایت تصویری، مناسک عینیت‌نمایی به نحوی بر گزار می‌شود که مخاطب راوی را در کنار صحنه می‌یابد و بی‌طرف بودن او را از وجه ناسازگار شیوه‌های گزارش تاریخی‌اش استنباط می‌کند.



بدل کردن رخدادهای پیچیده و چندوجهی به کلیشه، به معنای تقلیل واقعیت به یک قاب عکس و کوبیدن به دیوار است. مهم نیست که این قاب چقدر بزرگ یا کوچک است، به هر ترتیب، این قاب تنها چند بار دیده می‌شود و به تدریج از دایره دید مخاطب خارج می‌شود.

تبلیغات صدا و سیما در این زمینه بسیار پندآموز است. طی شش هفت سال اخیر، تبلیغات صدا و سیما در ایام دهه فجر، رنگ و بوی دیگری دارد. به این جهت که انجام تبلیغات مؤثر و تهییج کننده هدف تبلیغات است، هر سال تلاش می‌شود تصاویر و جوانب تازه‌ای از انقلاب به نمایش گذاشته شود. تصاویر و جوانبی که طی دهه اول و دوم، به هیچ روی امکان انتشار نیافته بودند. انتشار این تصاویر، تصویر تک‌خطی رسانه صدا و سیما را مخدوش می‌کند، اما این سودمندی مهم را در پی دارد که تبلیغات را از کلیشه پیشین بیرون می‌آورد و مخاطب را در مقابل صفحه تلویزیون نگاه می‌دارد.

البته کلیشه‌سازی از انقلاب، محدود به رسانه‌های تبلیغی نیست، حتی بخش مهمی از کتب تاریخی و تحلیلی نیز، به تبع رویکردهای خاص آکادمیک، منظومه پیچیده انقلاب را در ساختارهای تحلیلی و نظرورزان خود عرضه می‌کنند و به این ترتیب به بهانه مقوله انقلاب، به عرضه روایت‌های نظری و تئوریک در حوزه‌های گوناگون پرداخته‌اند. این آثار اگرچه در درک و تحلیل عمیق‌تر انقلاب نقش مهم و شایسته تقدیری ایفا کرده‌اند، اما گاه به نحوی دیگر مقوله انقلاب را در کلیشه‌های تحلیلی عرضه کرده‌اند.

به هر روی، در انبوه کلیشه‌هایی که در خصوص رخداد انقلاب وجود دارد، مشاهده کتاب «تصاویر دیوارنویسته‌های انقلاب» جلب توجه می‌کند. این کتاب منظومه‌ای است از تصاویر، آن‌هم تصاویر دیوارنویسته‌های انقلاب. به این ترتیب انتظار می‌رود که این کتاب اگر چه همچنان نحوی روایت است، اما روایتی است که انقلاب را از وجهی به کلی متفاوت از کتب و رسائل تاریخی و سیاسی عرضه می‌کند. گویی مناسب عینیت‌نمایی‌اش بیش از الگوهای دیگر جدی گرفته می‌شود.

دیوارنویسته‌های انقلاب، روایت انقلاب است از زاویه دید فاهمه عمومی مردم. انقلاب را در ساختار روان‌شناختی جمعی مردم ملاحظه می‌کند؛ در ساختاری به کلی متمایز از رخداد‌های خاص و نقش‌آفرینی

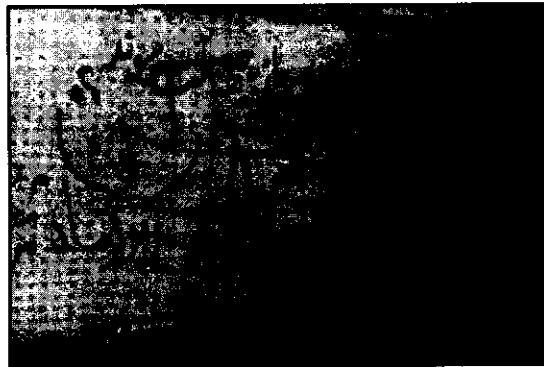
شخصیت‌های سیاسی. چنین اثری ذهن مخاطب را به فضای منتشر در عرصه عمومی تحریک‌شده و تهییج‌شده فرامی‌خواند و نشان می‌دهد که در فضای عمومی مردم چه عناصر و نمادهایی در عمل نقش‌آفرینی می‌کرده‌اند.

مشاهده عنوان کتاب تصاویر و دیوارنویسته‌ها، مخاطب را به نحوی ناخواسته به خود فرامی‌خواند، چرا که قاعده حرفه‌ای در این زمینه و اصول مناسک عینیت‌نمایی در آن، ایجاب می‌کند که مخاطب با تصویری متنوع و متفاوت از انقلاب مواجه شود. اما توریق کتاب، نشانگر الگویی از گزینش و همجواری تصاویر است که بیشتر به کار بدل کردن کلیشه‌های کلامی به تصویر می‌آیند.

از یادداشتی که انتشارات علمی و فرهنگی خود بر کتاب نگاشته است، می‌توان دریافت که دست‌اندرکاران انتشار کتاب، تنها با هدفی تبلیغاتی آنهم با روایت غیرحرفه‌ای دست به انتشار این کتاب زده‌اند. در دو صفحه یادداشت مذکور نه تنها اشاره‌ای به اهمیت انتشار این قبیل کتب چنانکه در خور مخاطب دانشگاهی این قبیل آثار باشد نشده است، بلکه حتی توضیحی از شیوه عمل و تولید این کتاب چنانکه اعتماد و اطمینان مخاطب را برانگیزد نیز نشده است.

تنها نکته قابل توجه آن است که در این یادداشت می‌خوانیم که تصاویر مذکور، گزیده‌ای است از آلبوم مرحوم مرتضی ممیز. نگارنده هیچ توضیحی نداده است که به چه دلیل آلبوم مذکور انتشار نیافته است و با چه الگو و بر مبنای چه شاخص‌هایی تصاویر انتشار یافته در این کتاب، از منظومه آلبوم مذکور گزینش شده‌اند.

نگارنده در یادداشت آغازین نه تنها متوجه رویکردها و شیوه‌های



دیدن عکس‌ها تنها حسی که به من داد هیجان بود. این که تمام اجزای سازنده یک شهر نقش معمولی را از دست بدهند و کنار مردم بسیج شوند. برای من که تجربه چنین دگرگونی را نداشتم جالب بود. حسی که به من داد کنجکاوی و هیجان بود برای دیدن شجاعت و سادگی جمعیتی از مردم در کنار دیوارهای شهرشان. این که من هیچ وقت فرصت نداشتم دیوارهای شهر را موجودات زنده‌ای ببینم که در خرمن آتش زدن هم‌دستی کنند. برای من دیوارهای شهر جز مشتی سنگ سیاه و سرد نیستند و البته افسوس خورن از این که خود آرزوهای دست نیافته که هیچ، حتی نشان این آرزوها هم حالا روی دیوارهای شهر نیست.



نگارشی نیست که به حسب مناسک عینیت‌نمایی این قبیل آثار را موجه می‌سازند، بلکه به عکس، با ادبیاتی کلیشه شده، پیشاپیش از انتشار یک اثر تبلیغاتی و فاقد ارزش علمی خیر می‌دهد. تصاویری که در این کتاب جمع‌آوری شده‌اند، از نظر نگارنده، که خود بازیگر فعال خیابان و کوجه‌های دوره انقلاب بوده و در تولید چند دیوار نوشته نیز ایفای نقش کرده است، به هیچ روی قابل قیاس با تنوع و پیچیدگی و جاذبه‌های فضای انقلاب نیست.

تصاویر منتشر شده، به درستی بعد یافتن دیوارها در فضای پرتلهاب انقلاب را بازتاب می‌کنند. ارتباط با انقلاب را از موازین نظروزرانه یا ایدئولوژیک فراتر می‌برد و امکان هم‌حسی با فضای انقلاب را پدید می‌آورد. پیوند دیوارها با یک رخداد گسترده در فضای شهری، به جد نمادی از پیوند وثیق میان مردم و گرم بودن فضای عمومی است.

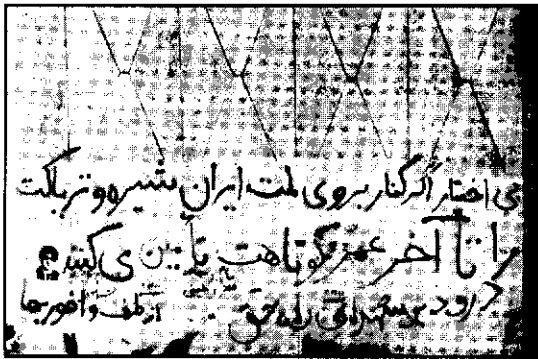
اگر انقلاب را عریانی فرهنگ و ساختار ذهن جمعی بینگاریم، می‌توان از طریق این تصاویر، فضای برانگیخته در فضای انقلابی را آئینه‌ای از ساختار روان و فاهمه عمومی انگاشت. چنین نقشی را به



مروری بر تصاویر

البته آنچه گفتیم به هیچ روی از ارزش و اعتبار تصاویر انتشار یافته کم نمی‌کند. تصاویر فی‌نفسه از کیفیت و ارزش فوق‌العاده تاریخی و فرهنگی بهره‌مندند. مشکل اساسی نحوه گزینش و تدوین تصاویر و الگوی هم‌جوار سازی آن‌ها برای بازتولید روایتی تک‌خطی از انقلاب است. انتشار این منظومه تصاویر را می‌توان مقدمه‌ای برای چاپ کتب معتبر علمی در این زمینه قلمداد کرد و وجود همین اثر را نیز در بازار کتاب به فال نیک گرفت.

به رغم نکات انتقادی که به آن اشاره شد، کتاب منظومه‌ای از تصاویر است و تصاویر به هر روی با امر واقع، نسبتی متفاوت با هر ساختار روایی متکی بر کلام و تحلیل تئوریک برقرار می‌کنند. از یکی از نمایندگان نسل سوم انقلاب که چندین سال پس از انقلاب به دنیا آمده است، خواستیم که این منظومه تصاویر را تماشا کند و احساس عمومی‌اش را مرقوم نماید. او پس از تماشای تصاویر نوشت:

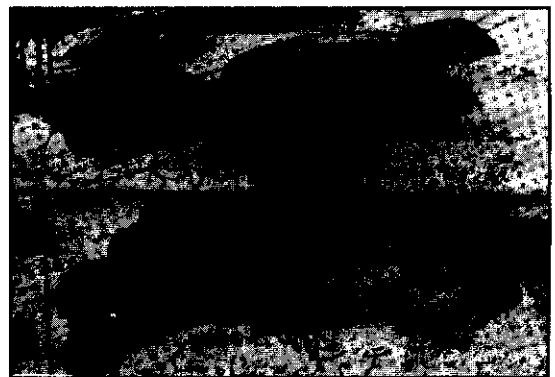


هیچ روی نمی‌توان از تاریخ‌نگاری‌های متعارف یا تحلیل‌های متعارف در حوزه علم سیاست و جامعه‌شناسی انتظار داشت.

آنچه بیش از کم و کیف دیوارنوشته‌های انقلاب جلب توجه می‌کند، زیبایی‌شناسی نگارش شعارهاست. می‌توان بخشی از دیوارنوشته‌ها را نقاشی‌خط‌های متناسب با فضای انقلاب قلمداد کرد. شعار مرگ بر شاه که بر یکی از دیوارهای نزدیک میدان شهدا نگاشته شده و در همان صفحات نخست چاپ شده است، در وهله نخست نشانگر تعجیل در نوشتن و بازتاب هراس نویسنده است. گویی در ساختار خط، فضای رعب و وحشت محیط انعکاس یافته است. با این‌همه، نویسنده چنان با رنگ کلمه مرگ را تزئین کرده است که بازتاب ابعاد خشم و کینه نگارنده باشد.

در یکی دیگر از تصاویر، که نوشته افتخار بر کارکنان صنعت نفت بر دیوار مشاهده می‌شود، نوع خط و نحوه بازی خطاط با الف‌ها و حرف کاف چنان است که هم رقصنده و پرنشاط و هم حاکی از حمایت جمعی از آنهاست. نوشته شاه به صورت معکوس که نشان از خواست سرنگونی او بود، تلاقی میان چند شعار که مثل سیاه مشق حس غریبی را منتقل می‌کند، صور دیگری از زنده بودن دیوارها در فضای پرتلهاب شهری است.

با همه تلاشی که تدوین‌کنندگان کتاب در گزینش آثار کرده‌اند، اما بازهم می‌توان ساختار چند ذهنی و متکثر انقلاب را در شعارها و دیوارنوشته‌ها مشاهده کرد. کثرتی که فی‌الواقع موتور محرک آن شور و همبستگی انقلابی بود. شعارها حاکی از وجود طبقات و گروه‌های



اجتماعی گوناگون هستند. این نکته را می‌توان از عدم توازن ساختار ادبی شعارها فهمید. به علاوه شعارها حاکی از تنوع ساختارهای کلامی و تحریکی در فضای انقلابی است. شعارها گاه حماسی‌اند: مردم مسلح شوید. و گاه توأم با طنز: بی‌اختیار اگر کنار روی ملت ایران شیره و تریاکت را تا آخر عمر کوتاهت تأمین می‌کند. گاه از موضع قدرت‌اند: علی‌بزن بر سر پهلوی، یا تا پیروزی نهایی نهضت ادامه دارد. و گاه مرثیه‌گون و سوگوارانه: ای گرگ برو گله دگر میشد، هر خانه دگر یک پسری بیش ندارد.

شعارها عمدتاً بر نقش محوری و تعیین‌کننده رهبری انقلاب تمرکز دارد و پیروزی انقلاب را پیروزی آیت‌الله خمینی (ره) بر شاه می‌خواند: کارت تمام شد، خمینی پیروز شد. او یکی از سه بت‌شکن تاریخ در کنار ابراهیم خلیل‌الله و محمد رسول‌الله است. همه چیز با استناد به قول و فرمان ایشان سامان می‌یابد. دیوارها مملو از شعارهایی است که حاکی از احساس عاطفی نسبت به ایشان است: ای امام خمینی، جانم به فدایت، جان من بود هیچی، جان خواهران هیچی، جان‌ها به فدایت. شعارهایی دیگری نیز به ندرت به چشم می‌خورند که حاکی از محوریت مردم است: ملت فقط حق خود را می‌خواهد همین.

امیداست، انتشارات علمی و فرهنگی راهی را که با چاپ کتاب تصاویر دیوارنوشته‌های انقلاب آغاز کرده، با چاپ نفیس گنجینه تصاویر استاد ممیز به پایان برساند و افقی تازه در تحلیل انقلاب و پیچیدگی‌های این رخداد مهم تاریخ معاصر ایران بگشاید.